



بیرحمی

سازنده بنیاد بی‌رحمی

بیرحمی

نویسنده هژمند



شاذیه اسلمی

چکیده

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۳۸۵-۴۷۰) در ناحیه بیهق به دنیا آمد. پس از تحصیل در نیشابور، وارد دیوان رسالت غزنویان شد و به عنوان دستیار رئیس دیوان بونصر مشکان، خدمت کرد. بیهقی از اثرگذارترین نویسندگان کلاسیک نسبت به شعرا و نویسندگان دوره‌های بعدی و روزگار کنونی است. مضمون تاریخ بیهقی شاعرانه است. بیهقی وقوف کامل بر زبان، هنر، نویسندگی و تدبیر داشته است. نگرش حرفه‌ای و اخلاقی بیهقی در نگارش تاریخ، ویژگی دیگری است. در نثر بیهقی صلابت، فخامت، سادگی و استواری و پارسی‌مداری حاکم است. بیهقی می‌تواند سرفصل تاریخ‌نگاری علمی در سرزمین ما باشد و اکثر پژوهشگران آن را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. بیهقی نویسنده واقع‌گرا است. او رویدادهای دورانیش را مستند روایت می‌کند. داستان حسنک وزیر نمونه برجسته‌ای از واقع‌گرایی است.

واژه‌های کلیدی: بیهقی، تاریخ‌نگاری فارسی دری، غزنویان، هنرمندی بیهقی در روایت تاریخ.

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، زاده ۳۷۰ هـ. ش، حارث آباد بیهق و درگذشته به سال ۴۵۶ هـ. ش در غزنین، از نویسندگان معروف دربار غزنویان است. پس از ختم تحصیل در نیشابور، در حدود سال ۴۱۲ وارد دیوان رسالت غزنویان و دستیار بونصر مشکان شد. در زمان عبدالرشید به ریاست دیوان رسالت رسید تا این که مغضوب شد و به زندان افتاد. شهرت بیهقی به خاطر نوشتن کتاب ارزشمند تاریخ بیهقی است که مهم‌ترین منبع تاریخی در مورد دوران غزنویان است. تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی که در آغاز به نام تاریخ ناصری نام برده می‌شود، به دو اعتبار بود؛ نخست به اعتبار لقب محمود سبکتگین (پدر سلطان محمود) که ناصرالدین بوده است و دومی تاریخ مسعودی که تنها دوران مسعود غزنوی در دسترس ما قرار دارد. تاریخ بیهقی به نام‌های دیگری نیز نامیده شده است. تاریخ آل ناصر، تاریخ آل سبکتگین، جامع‌التواریخ، و سرانجام تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی. تاریخ بیهقی از بهترین نمونه‌های تاریخ‌نویسی در دوره‌های نخست ادبی است. فصاحت، بلاغت، اختصار، تازگی و خالی بودن از حشو و زوائد، خالی بودن از تعقید و سادگی از هنرمندی بیهقی حکایت می‌کند. به پندار پژوهشگران، این تاریخ بزرگ، در سی مجلد تدوین شده بود، ولی همین یک مجلد آن، که همانا تاریخ رخدادهای دوره سلطان مسعود غزنوی است، باقی مانده است. از این سبب، از آن به نام تاریخ مسعودی نیز یاد شده است (میثمی ۱۳۹۱: ۱۱۰).

تاریخ بیهقی در حوزه تاریخ‌نگاری، داستان‌نویسی، اندیشه، ادبیات و شیوه نگارش فارسی دری، نگاه خردمندانه به هستی و اتفاقات آن دارد و کتاب ارزشمند، شایسته و قابل توجه است. تاریخ بیهقی می‌تواند سرفصل تاریخ‌نگاری علمی در سرزمین ما باشد و اکثر پژوهشگران آن را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. تاریخ بیهقی از نظر علم جغرافیا منبعی قابل اعتماد و روایت محکم و راستین است. این کتاب نمودار جامع و کم‌نظیری از اوضاع و احوال غزنویان است. کمتر پدیده‌ای از زندگی آن دوره را می‌توان یافت که از دید تیزبین بیهقی پنهان مانده باشد. بیهقی

دربار شش پادشاه غزنوی را زندگی و درک کرد؛ محمود، مسعود، مودود، عبدالرشید، مسعود دوم و سلطان ابراهیم. در زمان سلطان ابراهیم بود که بر عبدالرشید خشم گرفتند و همراهانش را در سال ۴۴۴ به زندان انداختند. یکی از آن‌ها ابوالفضل بیهقی بود که مدت چهار سال به زندان بود. او پس از زندان و آزادی به دربار نرفت، داشته‌ها و یادداشت‌هایش را منظم کرد و در بیست‌ودو سال آخر زندگی تاریخش را نوشت.

از ویژگی‌های تاریخ‌نویسی تاریخ بیهقی مستند بودن وقایع ذکر شده است که تا قبل از آن سابقه نداشته است. تاریخ بیهقی در شرح جزئیات وقایع، اثری بی‌نظیر است؛ چنان‌چه خود بیهقی می‌نویسد: «سخنی نرمان تا خوانندگان این تصنیف گویند که شرم‌باد این پیر را. غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنایی بزرگ برافراشته گردانم، چنان‌که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند.»

سبک بیهقی در نثر را تقلیدی از سبک استادش بونصر مشکان می‌دانند. این سبک را ساده و مرسل یا بینابین خوانده‌اند. بیهقی در دوره گذار از نثر مرسل به فنی می‌زیسته و می‌نوشته است. یعنی هم همان صلابت و فخامت، سادگی و استواری عهد سامانی و غزنویان را دارد و هم مختصاتی از نثر در حال نضج گرفتن فنی در آن است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۵۳).

واژه‌نامه تاریخ بیهقی جذاب و تکان دهنده است. بیهقی هیچ‌گاه از یک فعل واحد در دو جمله پیایی استفاده نمی‌کند؛ مثلاً اگر در یک جمله، پوشیده به معنی مخفی کردن آمده است، در جمله بعدی پنهان ساختن معنی می‌دهد.

اهمیت تاریخ بیهقی بر همگان هویدا است و تأثیر آن بر متون بعد از خود گواهی صادق بر ارزشمندی این کتاب است. تاریخ بیهقی آینه تمام‌نمای دوران خود است که می‌تواند قواعد مملکت‌داری، شهرسازی، زندگی اجتماعی، فرهنگ جامعه، آداب و سنت‌های رایج در جامعه، جهان‌بینی مردم و حتی خصوصیات اخلاقی و شخصیت‌شناسی هر یک از چهره‌های تاریخی را در آن مشاهده کرد.

زبان بیهقی زبان فخیم و محکم است. زبان ساده و صمیمی که تأثیر شگرف بر مخاطب دارد و همه را با خود همراه می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده بیهقی به حسنک وزیر به دیده احترام می‌نگرد و از سعایت و زعارت بوسهل روزنی به ستوه می‌آید. در زبان بیهقی مهربانی و دلسوزی خاصی نهفته است و لحن کلام او در هر رویدادی با آن تناسب دارد. زبان بیهقی زبان مؤدبی است و بر مبنای واقعیت روایت می‌کند. در این میان او در نهایت بی‌طرفی روایت‌گر تاریخ است که به روح خواننده آرامش می‌بخشد. تاریخ بیهقی برای داستان‌نویسی بسیار آموزنده است. تخیل بیهقی تا امروزه او را دوست‌داشتنی و ویژه می‌سازد. به این جهت است که کتاب بیهقی تنها تاریخ نیست، بل نویسنده با هنرمندی و روح سیالش زمان و مکان را با همه شخصیت‌ها و مشخصاتش به تصویر می‌کشد. ویژگی نثر بیهقی را می‌شود در توصیف، وقایع با استفاده از الفاظ و اصطلاحات تازه، جمله‌های پی‌درپی به شیوه‌های شاعرانه، استفاده از اشتها و تمثیل، استفاده از اشعار و نوشته‌های ناب، تقلید از نثر عربی و گزینش شیوه جدید در استعمال افعال خواند. به دانشجویان



تاریخ بیهقی در سی مجلد بود، از چهار جلد اول تاریخ بیهقی که مسلماً درباره روزگار باستان و دوران پیش از غزنویان بوده‌اند، تنها مطالبی اندک در «زبدۃ التواریخ» حافظ ابرو بر جای مانده است. هرچه از این کتاب برجای مانده به کوشش دکتر «خلیل خطیب رهبر» در سه مجلد به چاپ رسیده است. این اثر با بخش‌های به جا مانده از مجلد پنجم آغاز می‌شود، مجلد ششم با تاریخ «امیر شهاب‌الدوله مسعود بن محمود» و خطبه مقایسه پیامبران و پادشاهان آغاز می‌شود

حقارت‌آمیز، از بسیاری دلخوشی‌های بی‌حاصل نگه می‌دارد، و نگاه انسان را آن قدر قدرت تعمق می‌بخشد که در ورای حوادث، آن‌جا که چشم عادی چیزی نمی‌بیند، نفوذ کند و زندگی محدود و کوتاه خویش را از طریق تاریخ با زندگی گذشتگان، با زندگی دراز گذشته انسانیت پیوند دهد و آن را عمیق‌تر و پر معنی‌تر کند. تاریخ به ما می‌آموزد که زندگی ما به زندگی تمام افراد جامعه ما ارتباط دارد. زندگی ساده‌ترین فرد انسانی نیز در انزوا و خلأ مطلق نیست، انسان‌ها با یکدیگر در ارتباط‌اند و پیوند جامعه انسانی را تاریخ با ما بازگو می‌کند. این استمرار امری است که وجدان نشان می‌دهد و وجود انسان هدف و معنی دارد و حتا مرگ افراد آن را به پایان نمی‌رساند. بیهقی با این‌که منشی دربار است، در تاریخش از حسنک وزیر و ده‌ها داستان چون به دار آویختن حسنک وزیر روایت می‌کند. فریب‌ها، تلخی‌ها و ظلم‌های روا داشته شده را بی‌طرفانه به تاریخ می‌سپارد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۹).

تاریخ بیهقی در سی مجلد بود، از چهار جلد اول تاریخ بیهقی که مسلماً درباره روزگار باستان و دوران پیش از غزنویان بوده‌اند، تنها مطالبی اندک در «زبدۃ التواریخ» حافظ ابرو بر جای مانده است. هرچه از این کتاب برجای مانده به کوشش دکتر «خلیل خطیب رهبر» در سه مجلد به چاپ رسیده است. این اثر با بخش‌های به جا مانده از مجلد پنجم آغاز می‌شود، مجلد ششم با تاریخ «امیر شهاب‌الدوله مسعود بن محمود» و خطبه مقایسه پیامبران و پادشاهان آغاز می‌شود و سرفصل‌های زیر در آن به چشم می‌خورد؛ از قبیل قوت‌های سه‌گانه نفس، در شناختن نیک و بد، دنباله سخن جالینوس، عذر بیهقی در نوشتن تاریخ، احوال امیر مسعود در زمین داور، قصه بوسعید و بخشش به شعرا، وضع مسعود با پدر در سفری، روابط مسعود با منوچهر قابوس، حکایت افشین، داستان مأمون و...

مجلد هفتم تاریخ بیهقی نیز مانند دیگر مجلد‌های آن در بردارنده تاریخ، پندها و داستان‌های زیبا و شیوایی است که در ذیل عناوین زیر نگاشته شده‌اند: خروج امیر مسعود، فرو گرفتن امیر یوسف، ورود امیر به غزنین و استقبال مردم، مطالبه صلات بیعتی، ذکر سیل، خلعت‌پوشی احمد ینالتگین، قصیده ابو حنیفه، درگذشت خلیفه القادر بالله، ترتیب هدیه برای خلیفه، مذاکره امیر با خواجه در باب خوارزمشاه، نامه مسعود به التون‌تاش، داستان زندانی شدن بزرجمهر، فتح بخارا، اقدام احمد عبدالصمد برای صلح، تعیین هارون به خوارزمشاهی، بیماری خواجه احمد حسن، رأی زدن امیر در باب انتخاب وزیر.

مجلد هشتم در بردارنده بخش‌های دیگری از تاریخ غزنویان و درگیری

ادبیات است که بیهقی بخوانند. خوانش متن بیهقی در نوشتن داستان و خلق متن‌های ادبی خلاق کمک زیاد می‌کند.

بیهقی در نوشتن کتاب خود تنها به ذکر حوادث سیاسی و درباری و دقت در نقل آن‌ها نظر نداشت، بل کتاب او از جهت دیگری هم مهم است و آن ذکر بسیاری از رسوم و عادات و آداب زمان است. برای درک بهتر وضعیت اجتماعی و روزگار مردم در عصر غزنویان تاریخ بیهقی آینه مقدم است (وحید، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

تاریخ بیهقی تاریخ تحلیلی و توصیفی است. بیهقی نه تنها حوادث و وقایع تاریخی را توصیف کرده است، بل مانند تحلیل‌گران و مورخان کنونی در مورد علل و وقوع حوادث به تحقیق پرداخته است. در گردآوری اسناد تاریخی و فراهم آوردن اخبار از مردمان امین، معتمد و خردمند کمک گرفته است. تاریخ بیهقی نمونه از حقیقت‌نویسی و راستگویی است. داکتر محمد اکبر مددی در کتاب وضعیت اجتماعی دوره غزنویان به این باور است که مورخان در تلاش موضوعات آموزنده‌اند، تاریخ بیهقی از آغاز تا انجام پر از قصه‌ها و اندرزها است. «ابوالفضل بیهقی برگزیده زبان و فرهنگ دری، با شیوه خاص به حفظ و گردآوری رویدادهای تاریخ دودمان آل‌ناصر پرداخته که محتویات تاریخ بیهقی، حقایق را روشن می‌کند، گروهی از نویسندگان و محققان را اعتماد چنین است که بیهقی علاوه بر تاریخ مشهور خود، که اسم آن را هرچه بگذاریم، آثار دیگری نیز داشته است، ولی متأسفانه همه از بین رفته است و هیچ اثری از آن‌ها به جا نمانده. از جمله مقامات محمودی را به او نسبت می‌دهند.» (مددی، ۱۳۵۶: ۵۳۵).

تاریخ بیهقی درباره حکومت مسعود تصویری از امور و دسیسه‌های دربار او را ترسیم می‌کند. این موارد آن قدر گسترده است که ما نمی‌توانیم گام‌های مسعود را در طریق سقوط اخلاقی و سیاسی او دنبال کنیم. این حرکت‌ها را می‌توان از همان آغاز حکومت مسعود دید. انتقام‌جویی از درباریان سابق محمود، باز گرفتن مال بیعتی که محمد بخشیده بود و نقشه نافرجام قتل خوارزمشاه آلتون‌تاش، یکی از محتشم‌ترین باج‌گزاران و ارزشمندترین مشاوران او (که بوسهل زوزنی مسعود را به دام نقشه قتل او انداخت)، بعداً می‌بینیم که به جای پذیرش نصایح خوب، مشاوره‌ها و راهنمایی‌های بد را می‌پذیرد و در نهایت اصلاً به هیچ نصیحت و مشورتی توجه نمی‌کند و بر اثر پشیمانی و برآشفتنگی به ماجراجویی‌های فاجعه‌بار نظامی مبادرت می‌کند، نارضایتی سپاهیان و درباریان از او افزایش می‌یابد و این‌همه به سقوط او منجر می‌شود (میثمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

آشنایی با تاریخ تاریخ بیهقی، انسان را از بسیاری فریب‌های

این طایفه با سلجوقیان است. این فصل مطالب متنوعی را دربر دارد: انتخاب بوسهل حمدوی به کدخدایی ری، سخن بوسهل حمدوی در باب ری، تصمیم مسعود به گرفتن ترکمانان، کارهای سورش صاحب دیوان خراسان، دنباله حکایت فضل برمکی و یحیی علوی، تفصیل هدیه علی عیسی به هارون، سخن یحیی برمکی به هارون در باب خراسان، جنگ طوسیان با نیشابوریان، ورود امیر مسعود به سرخس، ورود امیر مسعود به آمل، حکایت امیر لیث در مرگ فرزند، نامه ترکمانان در باب صلح، آوردن رسولان سلجوقیان به لشکرگاه، مصالحه با پسر تاکو.

در مجلد نهم تاریخ بیهقی شرح بخش‌های دیگری از تاریخ به ویژه نبرد سرنوشت‌ساز دندان‌قان آمده است و در آن سرفصل‌های زیر دیده می‌شود: وصف تخت نو و بار دادن امیر، حرکت سپاهش به جانب سرخس، ورود ابراهیم ینال و طغرل به نیشابور، سخنان قاضی صاعد به طغرل، رفتن امیر مسعود به ترمذ و بازگشت به بلخ، جنگ امیر با سلجوقیان در طلخاب، مشاوره امیر با بونصر مشکان، صلح موقت با ترکمانان، ورود امیر مسعود به هرات، نامه به بوسهل حمدوی و با تالیجار، مرگ بونصر مشکان، حال بوالفضل پس از بونصر، حرکت مسعود از هرات به قصد ترکمانان، بر تخت نشستن طغرل، حمله سلجوقیان به بلخ.

در مجلد دهم تاریخ بیهقی مطالب گوناگونی درج شده است، از جمله: تعریف ولایت خوارزم، حکایت خوارزمشاه ابوالعباس، مخالفت بزرگان لشکر با خطبه کردن به نام محمود، ذکر فسادالماحاد و تسلط اشرا، منازعه عبدالجبار و هارون، حمله شاه ملک به ترکمانان، بر تخت نشستن خوارزمشاه شاه ملک.

استاد خلیل‌الله خلیلی در کتاب سلطنت غزنویان از قول ابن فندق روایت می‌کند که کتاب بیهقی در سی مجلد بوده است که تا دوران سلطان ابراهیم در آن نگاشته شده بود، کتاب دیگر از بیهقی به نام زینت‌الکتاب بوده است. به باور خلیلی کتاب بیهقی اثریست سترگ که از نظر محتوا بر مطالب بسیار سودمند در تاریخ خاندان غزنویان روشنی می‌اندازد. (خلیلی، ۱۳۹۰: ۳۲۹).

بیهقی در روایت تاریخ از روزگار غزنویان تا اکنون توانسته است، چشم‌انداز روشن از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن روزگار به ما ارائه کند. با این همه، انسان امروز که چشم به آینده دارد، وقتی به گذشته می‌نگرد حق دارد با خویشین بیندیشد که از آن همه رنج، از آن همه حوادث، و از آن همه تجربه امروز چه بهره‌ای می‌توان برد و آیا از تاریخ می‌توان چیزی آموخت؟ بی‌تردید ما از بیهقی فروان آموخته‌ایم، بیهقی بر نسل‌های بعد از خودش تأثیرگذار بوده است. نه تنها در باب دبیری و نویسندگی چیزهایی به ما یاد می‌دهد، بل فرهنگ و آداب آن روزگار را چنان با ظرافت نقل می‌کند که مایه تعلیم، تحصیل و اخلاق می‌شود. لطیفه معروف هگل که می‌گوید تمام آن‌چه از تاریخ می‌توان آموخت این است که از تاریخ هیچ نمی‌توان آموخت، یک جوابش این است که تنها کسی می‌تواند از تاریخ چیزی بیاموزد که تاریخ بیاموزد. کسانی که می‌خواهد با اطلاعات سطحی و پراکنده‌ای که خود از تاریخ دارد چیزی از تاریخ به فلسفه تعلیم کند، بی‌تردید از قفس ذهنیات خویش بیرون

نمی‌تواند پرید. در تاریخ چیزهایی است که انسان بی‌آن که مورخ باشد، می‌تواند از آن فایده بیاموزد و درس تاریخ. یک مقایسه ساده بین دوره تاریخی و دوره پیش از تاریخ، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد که انسانیت با این همه ادوار تاریخ که پشت سر گذاشته است، هنوز چندان پیر نیست و حتی از بامداد یک روز تاریخ خویش فاصله زیادی ندارد؟ این یک درس تاریخ است و درس امیدبخشی هم هست. وقتی بین این پنج هزار سالی که پیش‌وگم از دوره تاریخ در شرق نزدیک خودمان می‌گذرد، با تاریخ دراز انسان پیش از تاریخ و تاریخ جهان مقایسه شود، این دعوی چنان‌که باید، روشن می‌شود. حیات نوع انسان که پنج هزار سال است کسر کوچکی از دوران ماقبل تاریخ است (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۶۰-۲۶۱).

نتیجه‌گیری

بیهقی، دبیر، نویسنده و مورخ اثرگذار دوران غزنویان است. نگرش حرفه‌ای و اخلاقی بیهقی در نگارش تاریخ، مسلط بودن بر زبان و هنر نویسندگی از کمالات خاص بیهقی است. او دبیر دربار و شاکرد بونصر مشکان بود که در بسیاری موارد از استادش به نیکی یاد می‌کند.

بیهقی نگاه خردمندانه به هستی داشته است. کتاب او در حوزه تاریخ‌نگاری، داستان‌نویسی، اندیشه و ادبیات نمونه ارزشمندی در ادبیات ما است. بیهقی روایت‌گر صادق و امین است. او تاریخ را مستند و با جزئیات نوشته است.

واژه‌نامه تاریخ بیهقی جذاب و تکان‌دهنده است، هیچ‌گاه از یک فعل واحد در دو جمله بیایی کار نگرفته است. بیهقی در نوشتن کتاب خود تنها به ذکر حوادث سیاسی و درباری و دقت در نقل آن‌ها نظر نداشته، بلکه کتاب او روایت فرهنگ یک دوران تاریخی است. از سی مجلد بیهقی تنها شش مجلد آن در دسترس است که به دوران سلطان مسعود برمی‌گردد. از این رو، تاریخ بیهقی را به نام تاریخ مسعودی نیز یاد می‌کنند.

بیهقی بر نسل‌های بعد از خودش تأثیر شگرف داشته است، بسیاری از داستان‌نویسان جدی در حوزه ادبیات پارسی دری از روایت‌های بیهقی متأثر است. تاریخ بیهقی درس‌های امیدبخشی دارد. با هر بار خواندن بیهقی در می‌یابیم که ناگفته‌های بی‌شماری در تاریخ بیهقی نهفته است.

منابع

- میثمی، جولی اسکات، تاریخ‌نگاری فارسی، تهران: انتشارات ماهی، ۱۳۹۱.
- وحید، فریدون، جامعه‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- مددی، محمداکبر، وضع اجتماعی دوره غزنویان، کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۵۶.
- میثمی، جولی اسکات، تاریخ‌نگاری فارسی، تهران: انتشارات ماهی، ۱۳۹۱.
- شمیسا، سیرویس، سبک‌شناسی، چاپ دهم، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۶.
- خلیلی، خلیل‌الله، سلطنت غزنویان، چاپ سوم، کابل: انتشارات امیری، ۱۳۹۰.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شهر، ۱۳۸۳.